

بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی؛ مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی

دکتر ابراهیم رومینا* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس
وحید صادقی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲

چکیده

طایفه‌گرایی، نوعی احساس و انگیزه درونی در افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند و ناظر بر این است که، ساکنان یک محدوده سکونتگاهی عموماً همانند یکدیگر بر بنیاد ویژگی و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می‌نمایند، رأی می‌دهند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسئله است آیا گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی‌نمایندگان نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی اثرگذار بوده است؟ بدین منظور مقاله حاضر آمارهای نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی را انتخاب نموده و بر اساس روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و برای تبیین بهتر موضوع با استفاده از نرم‌افزارهای GIS و Excel به تحلیل داده و نقشه‌های محقق‌ساخته پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی در الگوی رأی سه نماینده از نه نماینده، یعنی صمدشجاعیان، عبدالرسول موسوی و رضاقلی الهیاری تأثیر کمی داشته است، اما در الگوی رأی نماینده‌های دور پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم (فریبرز انصاری، سید ابراهیم امینی، علی احمدی، عبدالرضا مرادی، نوذر شفیعی) تأثیر چشمگیری داشته است. به طوری که مقوله طایفه‌گرایی پایگاه حمایتی اطمینان‌بخشی برای ایشان به‌شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: طایفه‌گرایی، الگوی رأی، انتخابات، جغرافیای انتخابات، حوزه انتخابیه ممسنی.

۱- مقدمه

مکان^۱، کانون علم جغرافیا و هویت^۲، تجلی فرهنگ در مکان است. مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی خواه بر اساس روابط اکولوژیکی و یا عوامل دیگر مورد علاقه کسانی است که در آن تولد یافته یا به‌عنوان زیستگاه در آن زندگی می‌کنند. انسان به زادگاه و نیز مکانی که مدتی در آن زیسته است علاقه‌مند بوده و احساس تعلق و وابستگی می‌کند و نوعی رابطه عاطفی با آن برقرار می‌نماید (Hafeznia, 2006: 190). وابستگی به مکان علایقی را در انسان به‌وجود می‌آورد که در آن پیوندهای عمیق عاطفی و روانی بین مردم نیز برقرار می‌گردد (Shakui, 2007: 274). او آنچنان به مکان وابسته می‌شود که از حد روابط مادی با مکان فراتر رفته و با آن روابط عاطفی برقرار می‌کند و مهر مکان در دلش جای می‌گیرد و مکان برای او ارزش و قداست معنوی پیدا می‌کند (Hafeznia, 2006: 174). پیدا نمودن بار عاطفی توسط مکان و فضا و وجود دل‌بستگی‌ها و علقه‌های روانی و عاطفی بین انسان‌ها با زادگاه و بوم و وطن خود سبب می‌شود که مکان واجد ارزش سیاسی شود و حس وطن‌پرستی، عشق به وطن و سرزمین مادری، انگیزه دفاع و آمادگی مبارزه با متجاوزین و جانفشانی در راه وطن را در انسان‌ها پدید آورد (Ibid:192). در این میان، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی به‌دنبال یافتن وابستگی‌ها و پیوندهای عاطفی میان افراد و فضاهایی است که در آن زندگی می‌کنند. این فضاها خالق بخشی از هویت افراد هستند، هویتی که گاه، بنیاد واکنش آنان به‌شمار می‌رود. داده‌های موجود گویای آن است که در برخی از نواحی به‌دلیل کوهستانی بودن زمین، شیوه زیست غالب، کوچ‌زیستی و رمه‌گردانی است که ساختار اجتماعی برخاسته از این شیوه زیست، سرشتی مکانی و طایفه‌محور دارد (Kavianirad, 2013: 151). این ویژگی‌ها بویژه در استان‌های جنوب و غرب کشور رواج بیشتری داشته و در لایه‌های زیرین نهادهای مدنی امروز پنهان شده است (Jafarian, 2005: 163). شهرستان نورآباد ممسنی از جمله شهرستان‌های استان فارس است که تحت تأثیر مناسبات زندگی ایلی و عشیره‌ای قرار داشته است. از رهگذر چنین

1. Place
2. Identity

مناسباتی (عشیره‌ای)، الگوی فرهنگ سیاسی در این شهرستان، کارکردی مکانی و طایفه‌محور (زادگاه‌محور) دارد. به طوری که گرایش‌های طایفه‌ای یکی از عوامل بنیادین و اثرگذار در الگوی رأی نمایندگان این شهرستان می‌باشد.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر که ماهیتی کاربردی دارد به بررسی رابطه دو متغیر طایفه‌گرایی به مثابه متغیر مستقل و الگوی رأی‌دهی به عنوان متغیر وابسته پرداخته است. شهرستان ممسنی از جمله مناطقی است که تحت تأثیر رفتار انتخاباتی طایفه‌ای - مکانی قرار دارد. در این شهرستان همه چیز و از جمله امور سیاسی و نظامات اجتماعی مشروعیت خود را از عامل طایفه می‌گیرد. طایفه به منزله زیرساخت همه مقولات فرهنگی و مؤسسات اجتماعی عمل می‌کند. از این رو اصالت همواره با زادگاه و طایفه است و فرد در کلیت طایفه مستحیل است. به طوری که، از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز با برگزاری نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، آمار و داده‌های موجود نشان از برتری گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی بر سایر عوامل حکایت دارد. برای ارزیابی و آزمون فرضیه تحقیق و تحلیل داده‌ها از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۳- چارچوب نظری تحقیق

۳-۱- ادراک محیطی

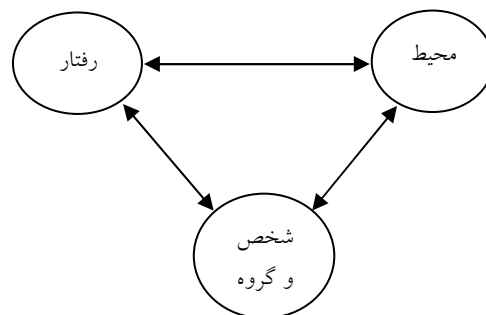
محیط، مجموعه شرایط خارجی است که فرد یا جامعه را احاطه می‌کند و به گُنش و کارکرد آن جهت و معنا می‌دهد. در علم جغرافیا، محیط از درهم تنیدگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی ساختار جامعه و لایه زندگی (زیست‌کره) به وجود آمده است (Shakui, 2007: 114). ویژگی‌های ساختاری محیط تعیین‌کننده عملکرد آن است. بدین مفهوم که الگوهای رفتاری و

نقش‌های اجتماعی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی را تضعیف می‌کند (Mortazavi, 2001: 2). رفتار تابع تأثیر متقابل فرد و محیط است. محیط و رفتار آنقدر درهم تنیده‌اند که دشوار می‌توان آنها را از هم جدا کرد. جدایی‌ناپذیری آنها نه تنها بر مبنای این گفته مرسوم است که «محیط بر رفتار تأثیر می‌گذارد»، بلکه به این دلیل است که نمی‌توان رفتار را مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد. از این‌رو، باید رفتار را در بستر محیطی آن تعریف کرد (Kavianirad, 2013: 66). در این میان ادراک^۱، فرایندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنی‌دار می‌شود و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیا را درمی‌یابد (Irvani and khodapanahi, 2002: 10). به عبارتی، ادراک، فرایند دریافت، تعبیر، تفسیر محرک‌های پیرامونی است که برخاسته از آن افراد پنداشت‌ها و برداشت‌هایی که از محیط خود دارند را تفسیر و معنا می‌کنند (Kavianirad and Azizikave, 2011: 153). از این‌رو، محیط ادراکی، بخشی از محیط واقعی است و تصویر ذهنی برخاسته از محیط پدیداری به‌شمار می‌رود (Shakui, 2007: 115). در شکل‌گیری نقشه‌های ادراکی - ذهنی و واکنش انسان نسبت به محیط، افزون بر محیط عینی، تصور انسان (محیط ذهنی) و ابعاد روانشناسانه اوضاع اجتماعی محیط او اثرگذار است (Purahmad, 2007: 165). هرکس از محیط طبیعی خود تصویر ذهنی دارد. در یک گروه فرهنگی، تصویر ذهنی درک شده تا حدود زیادی دارای وجه اشتراک است. به‌منظور توصیف چنین تصاویر ذهنی، جغرافی‌دانان از اصطلاح ادراک محیطی^۲ یاری جستجو می‌کنند. پیروان مکتب ادراک محیطی بر این باور هستند که نوع انتخاب انسان در محیط بیش از آنکه به ویژگی‌ها و شناسه‌های کالبدی محیط وابسته باشد، به نحوه ادراک و نگرش وی از محیط بستگی دارد (Kavianirad, 2013: 63).

1. Perception

2. Environmental Perception

شکل شماره ۱: الگوی مفهومی چهارچوب ادراک



(Ibid)

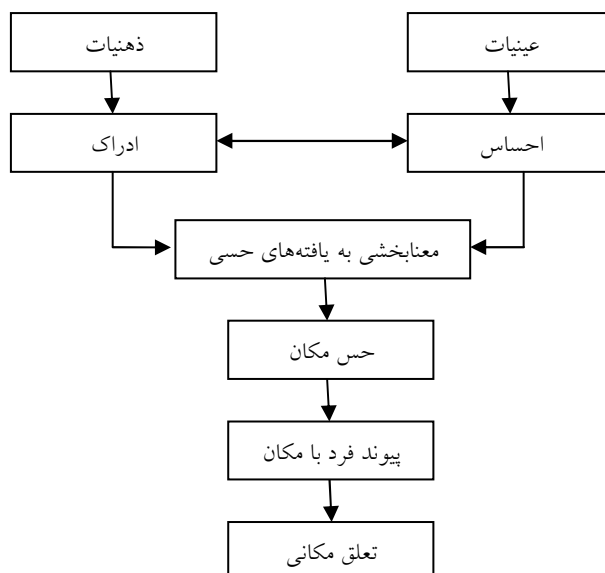
۲-۳- حس و تعلق مکان

مکان، کلیدی‌ترین مفهوم دانش جغرافیا است (Ahmadipur and others, 2011: 15). مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و از نظر محتوایی عمدتاً نشان‌دهنده وابستگی (عاطفی) انسان‌ها به موقعیت‌های خاص و مکان‌های ممتاز همانند زادگاه و وطن است (Norton, 2000: 330). به دیگر سخن، مکان تنها متضمن شناسه فیزیکی نیست، بلکه پُر از معانی نمادین، دل‌بستگی‌های عاطفی و احساساتی است که افراد درباره یک مجموعه مشخص دارند (Dominy, 2001 & Stedman, 2002: 561-581). احساس^۱ وابسته به امور عینی، محسوس و آشکار است در حالی که ادراک با امور عینی - ذهنی پیوند دارد. با وجود این، احساس و ادراک از آن‌رو که در پیوند با محرک‌های حسی (ورودهای شناخت) هستند در ارتباط با هم قرار می‌گیرند (Hafeznia and Kavianirad, 2014: 210). در جغرافیا اثرپذیری رأی‌دهندگان از وضعیت محلی ارتباط نزدیکی با حس مکان دارد. حس مکان نوعی ابراز وجود و احساس برگزیدگی در قالب مفاهیم محیطی است (Norton, 2000: 330). حس مکان، احساس وابستگی انسان نسبت به مکانی است که در آن زندگی می‌کند. این حس با تجربه مکان، مکان‌دوستی، هویت مکانی و ریشه‌داری نزدیک و گاه مترادف است (Badei and Others, 2008: 157-175). به عبارتی، حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و

1. Sense

احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد (Ansari and Others, 2009: 75)، و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به محیط مربوط می‌شود (Stefanovic, 1998: 31). از مهمترین اثرات مکان بر افراد، تعلق مکانی^۱ است که با حس مکان پیوند نزدیکی دارد. در واقع، تعلق مکانی رابطه هم‌پیوندی است که میان انسان و محیط برقرار است. تعلق مکانی، علایق خوشایند تجربه شده‌ای است که طی زمان و گاه به صورت ناخودآگاه و بر بنیاد پیوندهای رفتاری، احساسی و شناختی میان اشخاص یا گروه‌ها و محیط اجتماعی کالبدی آنها شکل گرفته است. این گونه علایق، چهارچوب هویتی فرد و جامعه را به وجود می‌آورند. به هر حال، تعلق به مکان سطحی فراتر از حس مکان است، زیرا در بهره‌مندی و دوام حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. تعلق مکان که بر پایه حس مکان پدید می‌آید امری فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان می‌انجامد و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها و عملکردها نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام خواهد بود (Hafeznia and Kavianirad, 2014: 212).

شکل شماره ۲: تأثیر حس مکان بر تعلق مکانی



(Ibid)

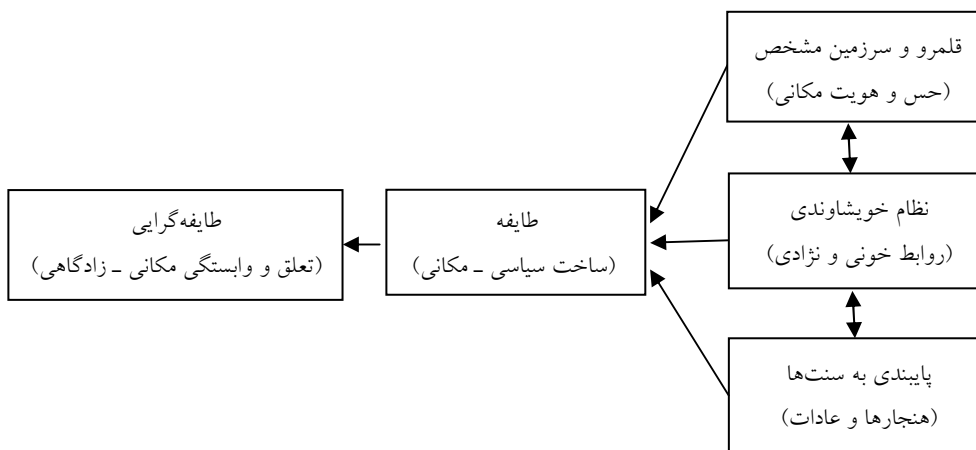
۳-۳- طایفه‌گرایی

طایفه^۱ عبارت است از یک واحد جغرافیایی شامل یک سازه اجتماعی و سیاسی که وابسته به مکان و فضای جغرافیایی مشخصی در سطح سیاره زمین است. بنیاد فلسفه طایفه، قلمرو یا سرزمین مشخص^۲ و نظام خویشاوندی^۳ است. سرزمین به‌عنوان بستر و کالبد فضایی - جغرافیایی طایفه عمل می‌کند. انسان ساکن در جغرافیای زیستگاهش در چارچوب فعل و انفعالات طبیعی و اجتناب‌ناپذیر با سرزمین، یا محل زندگی و محیط زیست خود روابط اکولوژیکی برقرار می‌کند و از طریق چنین روابطی است که جسم و جان انسان با مکان و زادگاه و محیط زیست پیوند می‌خورد و روابط عاطفی را نیز شکل می‌دهد که به‌نوعی تجلی معنوی روابط مادی انسان با زیستگاه خود محسوب می‌شود (Hafeznia, 2006: 212). همین

1. Tribe
2. Territory
3. Kinship system

امر به شکل‌گیری مفهوم طایفه به‌عنوان قلمرو و زیستگاه منجر می‌شود. وجود قلمرو و سرزمین مشترک از عوامل مهم همبستگی میان افراد طایفه است. مردمی که در یک سرزمین مشترک زندگی می‌کنند، خواه ناخواه با یکدیگر تماس حاصل می‌کنند و به‌تدریج همبستگی زبانی و فرهنگی می‌یابند (Mirheydar & Others, 2013: 172). به‌عبارتی، زمانی که عده‌ای در مکان و جغرافیایی با یکدیگر تعامل دارند، با گذشت زمان در تمایلاتی خاص تشابه پیدا می‌کنند (Sariolghalam, 2014: 12). نظام خویشاوندی که به روابط خانوادگی و پیوندهای عاطفی سازمان می‌دهد در سرزمین مشخص شکل می‌گیرد (Naghizadeh, 2010: 82). لذا می‌توان گفت، طایفه‌گرایی^۱ نوعی احساس و انگیزه درونی در افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند (Hafeznia and Kavianirad, 2009: 8).

شکل شماره ۳: بنیاد فلسفه طایفه و طایفه‌گرایی



طایفه‌گرایی، پیامد عوامل و زمینه‌های جغرافیایی را در رفتار رأی‌دهندگان بررسی می‌کند و بر این گمان است که ساکنان یک محدوده سکونتگاهی عموماً همانند یکدیگر بر اساس

ویژگی و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می‌نمایند، رأی می‌دهند (Kavianirad and Veyci, 2009: 1). به عبارتی ساکنان هر فضای جغرافیایی، بر اثر تعاملات روزمره با همدیگر در طی زمان، نگرش مشترکی نسبت به همدیگر پیدا می‌کنند و دیدگاه‌های ویژه‌ای نسبت به موضوعات سیاسی - اجتماعی دارند (Ghaffari and Kaviani, 2011: 8). در سال ۱۹۴۹م، ولادیمیر کی، نخستین کسی بود که به اهمیت خاستگاه داوطلب در انتخابات اشاره می‌کرد. تحلیل و نتیجه‌گیری پژوهش او نشان داد موفقیت نامزد در مقوله انتخابات تابع این پرسش ساده است که «داوطلب کجایی است؟». بر بنیاد یافته‌های کی، رأی‌آوری نامزدها بیشتر مبتنی بر دوستان، همسایگان و خویشاوندان موجود در زادگاه داوطلب است (Cox, 2002: 9). بر همین پایه، عوامل فضایی - جغرافیایی می‌توانند بنیادهای اجتماعی مؤثر در رأی‌گیری را متأثر کنند. تجربه نشان داده است که بر بنیاد جستار تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای، عمده افراد همانند هم عمل می‌کنند، به این مفهوم که حتی اگر شرایط اجتماعی - اقتصادی‌شان در پیوند با جای دیگر باشد، به هنگام رأی‌دادن، مشابه هم‌زادگاهی‌شان یا هم‌طایفه‌شان رأی می‌دهند (Flint, 1998: 79-100). زیرا رأی‌دهندگان بر این گمانند که کاندیدای مورد حمایت آنان به واسطه همانندی‌های هویتی با آنها می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش و آفرینش امکانات و فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت ساکنان ناحیه و شهرستان مفروض باشد و اگر نامزدی از قلمرو جغرافیای خود به پارلمان راه پیدا کند، به نوعی بیمه (تضمین) شده‌اند و نماینده‌شان وارد دایره قدرت شده است و بهتر می‌تواند حقوق و منافع محلی و شخصی‌شان را برآورده سازد.

۴-۳- جغرافیای انتخابات

جغرافیای انتخابات^۱، رویکردی جغرافیایی به مقوله دموکراسی^۲ و انتخابات^۳ است که در آن الگوهای رفتار سیاسی شهروندان که برخاسته از تنوع نگرش و مطالبات آنها از ساختارهای

1. Electoral Geography
2. Democracy
3. Elections

اقتصادی، فرهنگی، حقوقی حاکم است به‌صورت نقشه در می‌آید و بررسی می‌شود (Hafeznia and Kavianirad, 2014: 263). در واقع، جغرافیای انتخابات به جنبه‌های جغرافیایی انتخابات، همه‌پرسی‌ها، سازماندهی آنها بویژه نتایجشان می‌پردازد و شرایط فرهنگی، اقتصادی و غیره را در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی مؤثر می‌داند (Muir, 2007: 255). درک جغرافیای انتخابات مستلزم شناخت مناسبات جغرافیا، سیاست و دموکراسی است. مهمترین عرصه رابطه جغرافیا با سیاست، حکومت یا نظام سیاسی مستقل است که به نیابت از دو عنصر پایدار یعنی سرزمین و ملت یا انسان‌های بومی یا مقیم در سرزمین موجودیت می‌یابد و به ایفای نقش می‌پردازد (Hafeznia, 2006: 212). چنین نیابتی عموماً از رهگذر نظام انتخاباتی که در قالب قانون اساسی تجلی می‌یابد و به‌نوعی بیان‌کننده نیازها و آرمان‌های ساکنان بخش‌های مختلف کشور است، عملیاتی می‌شود و زمینه را برای تبدیل آراء مردم به مناصب و جایگاه‌های سیاسی فراهم می‌کند. اما آنچه بحث دموکراسی را در جغرافیا مجاز می‌سازد، نقش‌آفرینی محیطی آن است که در جغرافیای انتخابات به اثرگذاری متقابل انسان و محیط مربوط می‌شود (Abdi and others, 2014: 98). دموکراسی و انتخابات از آن‌رو با مباحث جغرافیای سیاسی ارتباط می‌یابد که به اصل جدایی‌ناپذیر سه عنصر یا پدیده ملت، حکومت و سرزمین مربوط می‌شود. اصل جدایی‌ناپذیری این مثلث ناشی از رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند. به دیگر سخن، دموکراسی و انتخابات بهترین ابزاری است که سبب می‌شود اراده ملت در اداره سرزمین عملی شود (Mojtahedzadeh, 2011: 91).

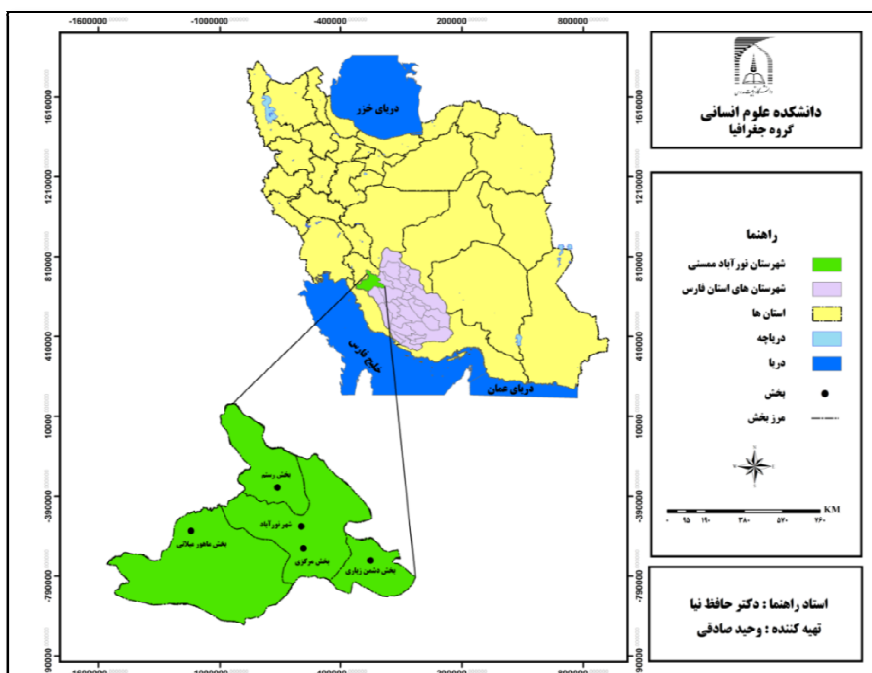
کانون مطالعاتی جغرافیای انتخابات، حوزه‌های انتخاباتی^۱ است. این محدوده‌های جغرافیایی، در مقام بستری به‌منظور انتخاب نمایندگان در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی تأثیر قطعی بر ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت دارد (Pishgahifard and Shoshtari, 2008: 110). نمایندگان انتخاب شده در این حوزه‌ها نه تنها نمایندگی مردم را دارند بلکه تقسیمات مربوط به قلمرو حوزه‌های انتخاباتی را نیز منعکس

می‌کنند (Ahmadipur and others, 2011: 17). از این رو، محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی، در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرند (Kavianirad, 2007: 37). جغرافی دانان انتخابات افزون بر مقوله «کیستی» برای «کجایی» زندگی و زیست فرد اهمیت قائل هستند، به طوری که، نقش مکان را در فهم و تحلیل جُستار مذکور مهم ارزیابی می‌کنند و از آن منظر به تحلیل تفاوت‌های فضایی می‌پردازند.

۴- محیط‌شناسی پژوهش

ایران کشوری متشکل از نواحی و خرده نواحی فرهنگی است. در برخی از این نواحی هنوز برخی از هویت‌ها و اصالت‌های فرهنگی و اجتماعی پیشامدرن و سنتی به صورت پُررنگ حفظ شده است. یکی از پیامد چنین تنوع ناحیه‌ای در مقوله انتخابات، نمود آشکار پیشوند «هم» است. به این مفهوم که این پیشوند در قالب واژگانی چون هم‌طایفه، هم‌شهری، هم‌زبانی، هم‌استانی و مانند آن بسیار اثرگذار است (Ibid: 503). بر اساس آخرین تغییرات اعمال شده در سازمان سیاسی فضا در ایران، استان فارس ۲۹ شهرستان دارد در این میان، عُمده ساکنان نواحی شمال باختری و باختر استان فارس گویش لُری دارند. نورآباد مَمَسَنی از جمله شهرستان‌های مهم این ناحیه به‌شمار می‌رود و شامل دو گروه زبانی لُری و تُرکی قشقایی است. این شهرستان با ۱۶۳۲۳۷ نفر جمعیت، ۵/۲ درصد از مساحت استان فارس را به‌خود اختصاص داده است (Fars Province Statistical Yearbook, 2011). شهرستان یاد شده با مساحت تقریبی ۶۶۳۸ کیلومتر مربع در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد و از شمال و شمال غربی به استان کهگیلویه و بویراحمد و از طرف جنوب و جنوب غربی به شهرستان کازرون و استان بوشهر و از طرف مشرق به شیراز و از طرف شمال شرقی به اردکان (سپیدان) و از طرف مغرب به شهرستان گچساران و رودخانه زهره که مرز مشترک استان‌های فارس، کهگیلویه و خوزستان است، محدود می‌شود (Habibi Fahliani, 1992: 51).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان نورآباد ممسنی



شهرستان ممسنی با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی تشکیل شده است. هر کدام از این بخش‌ها، جایگاه یا به عبارتی، زادگاه جغرافیایی طایفه‌های ممسنی هستند. به طوری که از دیرباز طوایف بکش، جاوید، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی در این مناطق سکنی گزیده‌اند و سکونتگاه‌های آنها قلمرو سیاسی تحت کنترل آنها بوده است. بخش مرکزی با وسعت ۲۰۱۲ کیلومتر مربع و از منظر جمعیتی با ۹۸۷۶۱ نفر جمعیت، بیشترین جمعیت را در شهرستان دارد که شهر نورآباد^۱ مرکز حوزه انتخابیه ممسنی در این بخش واقع شده است (Fars Province Statistical Yearbook, 2011). بخش مرکزی به «بلوک ممسنی» شهرت دارد (Habibi Fahliani, 2005: 5)، این

۱. این شهر طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۵۵۷۳۶ نفر جمعیت دارد (Fars Province Statistical Yearbook, 2011).

بخش خاستگاه جغرافیایی دو طایفه بزرگ «بکیش و جاوید» است که اصالتاً طوایفی گُر زبان و از منظر سیاسی - اقتصادی نقش مهمی را در این شهرستان ایفا می‌کنند. بخش پیرامونی مکان استقرار طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی است. بخش رستم^۱ که در ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ به بخش ارتقا یافت با وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع و ۴۶۷۵۱ نفر جمعیت، یکی از بخش‌های پیرامونی شهرستان ممسنی است. بخش دشمن‌زیاری^۲ با ۹۴۴۲ نفر جمعیت، ۲ دهستان (دشمن‌زیاری و مشایخ^۳)، در سال ۱۳۶۸ به بخش ارتقاء یافت و در جنوب شرقی و شرق ممسنی واقع شده است. بخش ماهور میلّتی^۴ تیره‌هایی از طوایف دره‌سوری و کشکولی ایل قشقایی را در خود جای داده است. این بخش که در سال ۱۳۴۲ به بخش ارتقاء یافت، دارای ۲ دهستان (ماهور و میشان^۵) و ۷۲۹۷ نفر جمعیت است (Fars Province Statistical Yearbook, 2011). این بخش‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های مکان استقرار، به‌طور نسبی در انزوا به‌سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند.

گنش سیاسی سنتی و مکانی دیرپاترین الگوی رأی در حوزه انتخابیه ممسنی به‌شمار می‌رود، به‌طوری‌که همچنان الهام‌بخش بینش و نگرش هویتی شهروندان ممسنی است. در واقع یکی از جنبه‌های جغرافیایی انتخابات در ممسنی، مقوله طایفه‌محوری (مکان‌محوری) است. سرزمینی به نام ممسنی متشکل از طوایفی که برای حفظ امنیت و حریم حیات طبیعی خود، مجبورند تعصب درون‌طایفه‌ای خود را به‌شدت حفظ کنند و تا می‌توانند طوایف دیگر را تضعیف کنند. از این‌رو، هر طایفه، قلمرو جغرافیایی ویژه خود با مرزهای مشخص دارد. مردم

۱. بخش رستم به مرکزیت «شهر مصیری» است (Taheri, 2002: 1058).

۲. بخش دشمن‌زیاری به مرکزیت «حسنی» است (Amiri, 2012: 586).

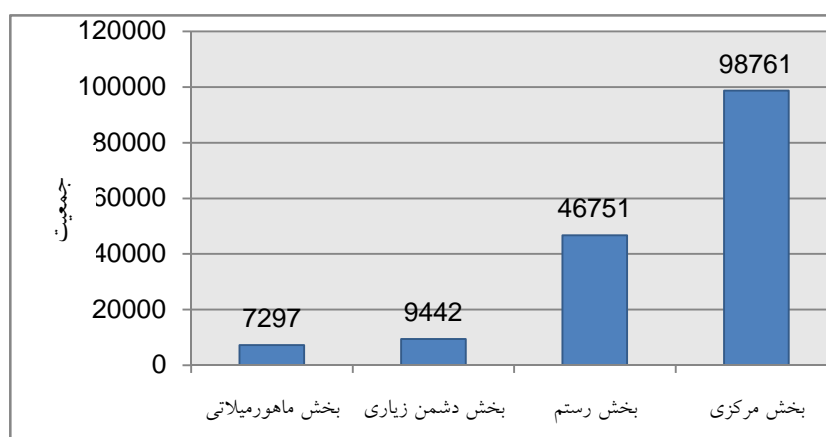
۳. دهستان دشمن‌زیاری با ۴۸۴۰ نفر و دهستان مشایخ با ۴۶۲۳ نفر طبق آخرین سرشماری (Fars Province Statistical Yearbook, 2011).

۴. بخش ماهور میلّتی با مرکزیت «بابامیر» است (Amiri, 2012: 586).

۵. دهستان ماهور با جمعیت ۴۸۹۲ نفر و دهستان میشان با جمعیت ۲۴۱۹ نفر طبق آخر سرشماری (Fars Province Statistical Yearbook, 2011).

هر طایفه از جزئیات قلمرو خود آگاهی و شناخت دارند و از آن پاسداری می‌کنند. بنابراین از ویژگی‌های برجسته این مردم، وابستگی شدید آنها از مرز و بوم خودشان است (Sadeghi, 2014: 12). به عبارتی، بستر جغرافیایی هر کدام از این طوایف، کارکردهای هویتی و معنوی خاصی برای ساکنان هر بخش پدید آورده، به نحوی که ساکنان به مکان و فضای جغرافیایی خود دلبسته شده و علقه‌های روانی و عاطفی خاصی بین ساکنان با زادگاه خود پدید آمده است. از این رو، مکان واجد ارزش سیاسی شده و کُنش سیاسی ساکنان معطوف به دفاع از نامزدهای قلمرو جغرافیایی خود است.

در این شهرستان، «طایفه» یا همان اصل و نسب (تبار) تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌ها، و بنیاد هویت و پایه بسیاری از روادیده‌ها، کُنش‌ها و واکنش‌های ساکنان آنجا به‌شمار می‌رود. به طوری که ساخت طایفه‌ای و مکان‌محوری، فرهنگ سیاسی عمده رأی‌دهندگان این شهرستان به‌شمار می‌رود. بر این اساس، طایفه‌گرایی، جغرافیایی‌ترین نوع کُنش سیاسی در حوزه انتخابیه ممسنی شمرده می‌شود.



نمودار شماره ۲: جمعیت بخش‌های شهرستان نورآباد ممسنی

(Fars Province Statistical Yearbook, 2011)

۵- یافته‌های پژوهش

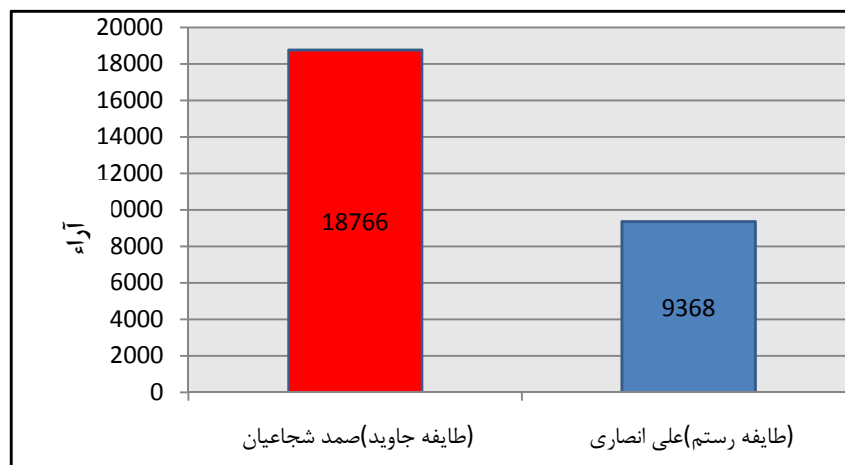
بررسی دوره‌های مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهرستان ممسنی

۱-۵- نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، صمد شجاعیان از طایفه جاوید در دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی از مجموع ۲۸۱۷۱ آراء مأخوذه، با کسب ۱۸۷۶۶ رأی^۱ (۶۶درصد) پیروز انتخابات شد و نخستین نماینده مجلس شورای اسلامی شهرستان ممسنی بعد از انقلاب اسلامی شد (Mamasani Governorate, 1984). در رأی آوری صمد شجاعیان در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پایگاه و خاستگاه‌های گوناگونی نقش داشته است. در این دوره بیش از آنکه گرایش‌های محلی - طایفه‌ای یکی از زمینه‌های رأی‌آوری صمد شجاعیان به‌شمار رود، دیگر عوامل تعیین‌کننده بوده است. به‌عبارتی، بیش از آنکه حوزه جغرافیایی سکونت (طایفه؛ زادگاه) در الگوی رأی شجاعیان اثرگذار باشد، می‌توان به سازه‌هایی (عواملی) همچون ویژگی‌های شخصیتی نماینده نظیر: فرهنگی‌بودن، چهره انقلابی داشتن، میزان تحصیلات، ساده‌زیستی، حُسن خلق، ارتباط با توده مردم و از جمله با شخصیت‌های برجسته انقلابی و فرهنگی نظیر محمد بهمن بیگی^۲ (مدیر کل آموزش عشایر ایران) اشاره کرد (Shojaiyan: 2013). پایگاه رأی‌آوری صمد شجاعیان از خاستگاه جغرافیایی گوناگونی بوده است و در اکثر صندوق‌ها، رأی لازم را اخذ کرده است، به‌طور مثال در صندوق رأی گچگران که منطقه‌ای از حوزه جغرافیایی طایفه بکش است، صمد شجاعیان بالاترین میزان رأی را کسب کرده است (Zarghami and others, 2014 :10 & Shojaiyan, 2013). بنابراین به‌نظر می‌رسد که گرایش‌های محلی - طایفه‌ای نقش چندانی در الگوی رأی شجاعیان نداشته است.

۱. در دور اول انتخابات مجلس شورای اسلامی آراء به‌صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.

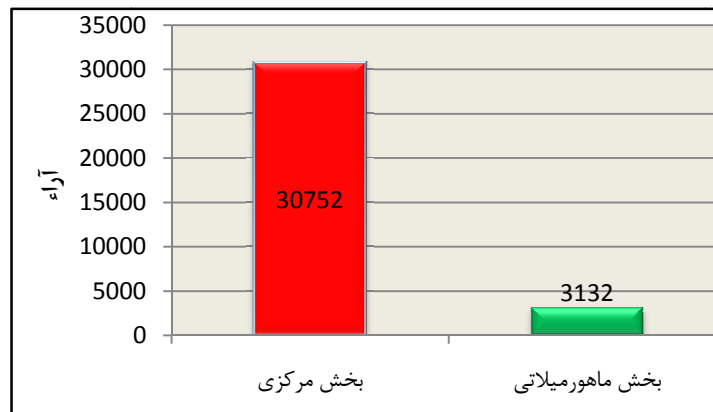
۲. «محمد بهمن بیگی» نویسنده ایرانی و بنیان‌گذار آموزش عشایر در ایران بود. بهمن بیگی به‌سبب کوشش پیگیر در راه سوادآموزی به هزاران نفر کودک تُرک، گُر، گُرد، بلوچ، عرب و ترکمن، برنده جایزه (کروپوسکایا) سوادآموزی سازمان یونسکو شد. او تجربه‌های آموزشی خود را در چند کتاب (بخارای من ایل من، طلای شهمت، عرف و عادت در عشایر فارس، اگر قره قاچ نبود، به اجاقت قسم) در قالب داستان به رشته تحریر درآورده است (www.wikipedia.org).



نمودار شماره ۳: آراء صمد شجاعیان در بخش مرکزی در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 1984)

۲-۵- دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

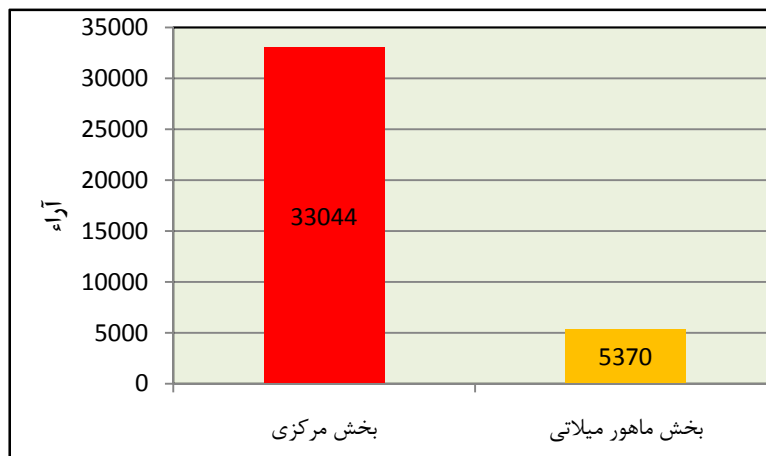
به‌طور کلی خاستگاه رأی‌آوری صمد شجاعیان در دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی متأثر از جو انقلابی نخستین، ارائه خدمات صادقانه و بی‌دریغ به مناطق محروم شهرستان، تجربه نمایندگی دور نخست (پیشینه سیاسی)، حضور در بین مردم (خوشنامی و مردم‌مدار) و ارتباط اجتماعی قوی با مردم و شخصیت‌های برجسته فرهنگی و انقلابی بود که در الگوی رأی صمد شجاعیان مؤثر بودند (Zaghani, 2013). از طرفی، آمارهای موجود نشانگر آن است که شجاعیان افزون بر حوزه جغرافیایی مرکزی که زادگاه خود به‌شمار می‌رود، در بخش تُرک‌تبار ماهور میلّتی آراء لازم (۳۱۳۲ رأی) را کسب کرده است (Mamasani Governorate, 1991). بنابراین به‌نظر می‌رسد با توجه به خاستگاه و پایگاه‌های گوناگون آراء شجاعیان و همچنین با توجه به بالاترین آرائی که شجاعیان نسبت به دیگر نامزدها در بخش ماهور میلّتی کسب کرده است، گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی در این دوره چندان اثرگذار نبوده است.



نمودار شماره ۴: آراء صمد شجاعیان به تفکیک بخش‌ها در دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 1991: 2)

۳-۵- سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، سید عبدالرسول موسوی از مجموع ۷۲۶۲۲ آراء مأخوذه، با کسب ۳۸۴۱۴ رأی (۵۲ درصد) سومین نماینده حوزه انتخابیه ممسنی شد (Negahdari, 2011: 6). با توجه به اینکه موسوی از طایفه بکش در دو دوره انتخابات قبل داوطلب انتخابات بود، ولی حائز اکثریت آراء نشده بود، در این دوره با تجربه و پیشینه سیاسی لازم پا به عرصه مبارزات انتخاباتی گذاشت. وی که علاوه بر علوم حوزوی از تحصیلات دانشگاهی برخوردار بود، توانست با هماهنگی متنفذین محلی طوایف مختلف، مبتنی بر لزوم توافق بر حمایت از ایشان، بر رقبای خود غلبه کند و به مجلس شورای اسلامی راه یابد. موسوی در بخش مرکزی که زیستگاه جغرافیایی خودش بود، ۳۳۰۴۴ رأی کسب کرد و در بخش ماهور میلاتی، ۵۳۷۰ رأی به دست آورد (نمودار شماره ۵) (Mamasani Governorate, 1991: 4). بنابراین می‌توان گفت اگرچه در این دوره، موسوی در زادگاه جغرافیایی خود (طایفه خود) بیشترین آراء را کسب کرده، لکن با نگاهی به آراء ایشان در مناطق جغرافیایی مختلف، به نظر می‌رسد که وابستگی‌های محلی - طایفه‌ای چندان در افزایش الگوی رأی وی اثرگذار نبوده است.

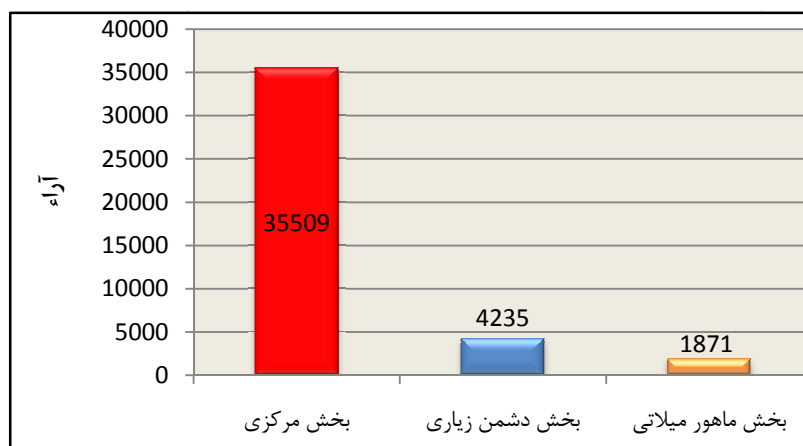


نمودار شماره ۵: آراء سید عبدالرسول موسوی به تفکیک بخش‌ها در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 1991: 4)

۴-۵- چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، رضاقلی الهیاری از مجموع ۷۴۷۴۱ آراء مأخوذه، با اخذ ۴۱۶۱۵ رأی (۵۵ درصد) به مجلس راه یافت (Mamasani Governorate, 1991). به‌رغم اینکه الهیاری در انتخابات دوره قبل چهره‌ای ناشناس به‌نظر می‌رسید، در این دوره با شهرت و خبرگی لازم وارد انتخابات شد. الهیاری توانست بالاترین میزان رأی را به‌ترتیب در بخش مرکزی با کسب ۳۵۵۰۹ رأی، دشمن‌زیاری ۴۲۳۵، ماهور میلانی ۱۸۷۱ رأی را کسب کند (نمودار شماره ۶) (Ibid). در این انتخابات، اگرچه الهیاری در زادگاه جغرافیایی خود یعنی بخش مرکزی، آراء بالایی را کسب کرد، با وجود این، در سایر حوزه‌های جغرافیایی بویژه در بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلانی آراء الهیاری پُرورن بوده، که این خود گویای این است که مقوله طایفه‌محوری و زادگاه‌محوری تأثیر کمی در پایگاه رأی‌آوری الهیاری داشته است. به‌عبارتی، گرایش‌های طایفه‌ای و تأثیر همسایگی هر چند مهم بود، ولی تعیین‌کننده نبود.

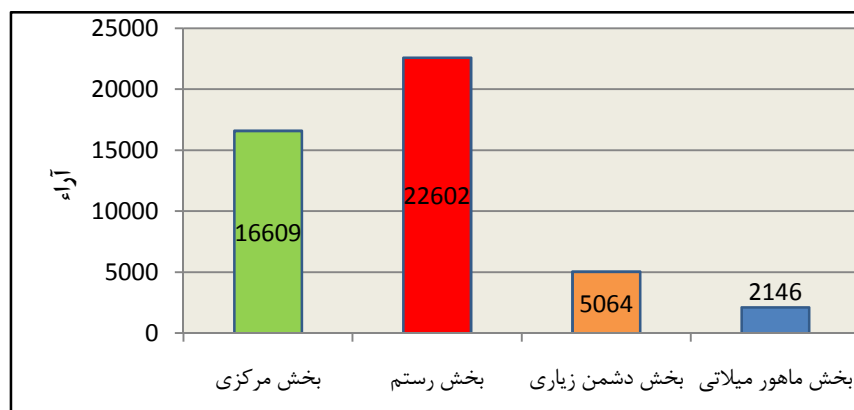
۱. بخش رستم تا این دوره هنوز جدا از بخش مرکزی نشده بود و آراء آن به‌صورت متمرکز بر روی بخش مرکزی حساب می‌شد.



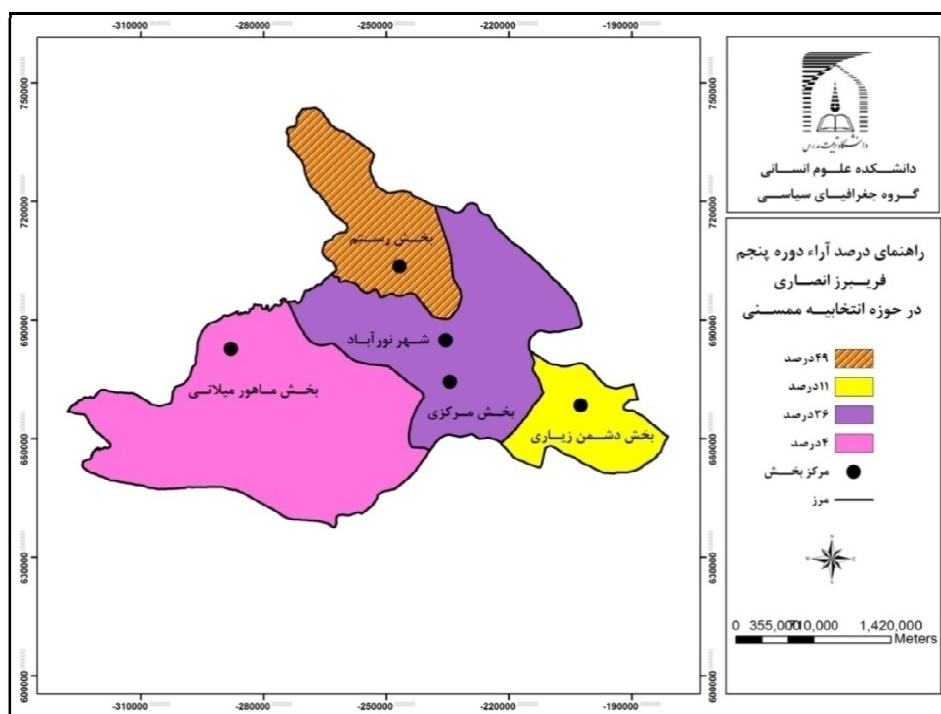
نمودار شماره ۶: آراء رضاقلی الهیاری به تفکیک بخش‌ها در چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 1991)

۵-۵- پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، فریبرز انصاری از طایفه رستم در مرحله نخست پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۲۰/۶۳ درصد از مجموع ۹۷۰۰۲ آراء را کسب کردند (Mamasani Governorate, 1991: 1). از نظر توزیع بخشی (زادگاهی)، فریبرز انصاری در مرحله نخست انتخابات با ۶۸/۲۴ درصد، بیشترین رأی را در زادگاه خود یعنی بخش رستم کسب کرده است. همچنین در مرحله دوم انتخابات، وی با ۴۹ درصد، بیشترین پُشتوانه (رأی) را در طایفه و زادگاه خود به دست آورد و نسبت به سایر بخش‌ها، مردم این حوزه جغرافیایی، بالاترین رأی را به ایشان دادند (نقشه شماره ۲). آراء انصاری در مرحله نخست و دوم انتخابات در قلمرو خود گویای این است که رأی‌دهندگان منافع محلی و طایفه‌ای را فراتر از منافع ملی در نظر آورده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد طایفه‌گرایی و مکان‌محوری بر الگوی رأی فریبرز انصاری تعیین‌کننده بوده است.



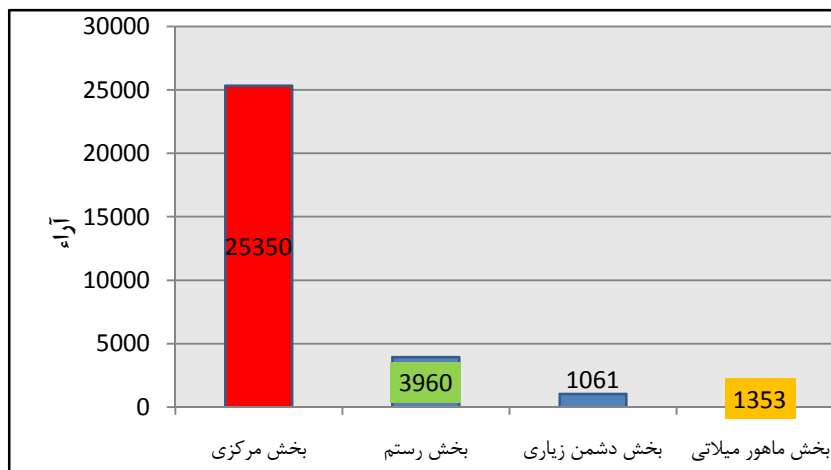
نمودار شماره ۷: آراء فریبز انصاری به تفکیک بخش‌ها در مرحله دوم پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 1991: 1)



نقشه شماره ۲: تمرکز آراء زادگاه فریبز انصاری در بخش رستم
«فریبز انصاری متعلق به قلمرو جغرافیایی رستم (طایفه رستم) است»

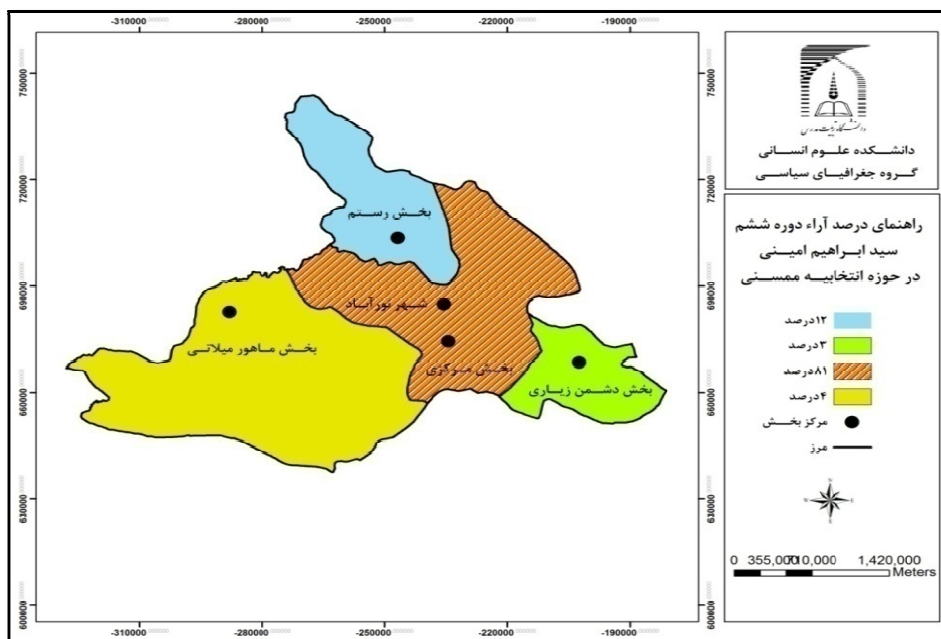
۵-۶- ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، سید ابراهیم امینی از طایفه بکش در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۷/۴۵ درصد از مجموع ۱۱۵۵۳۸ آراء را کسب کردند (Mamasani Governorate, 1992). همان‌طور که در نقشه شماره ۳ مشاهده می‌شود، از نظر توزیع زادگاهی، سید ابراهیم امینی با ۸۱ درصد، بیشترین رأی را در زادگاه خود یعنی بخش مرکزی (طایفه بکش) کسب کرده است. این مسئله نشانگر این است که رأی‌دهندگان از امور محلی متأثر شده و بر اساس درک از محل و محیط زندگی خود تصمیم‌گیری کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت خاستگاه زادگاهی - تباری (بکشی) آراء امینی در انتخابات مجلس ششم چشمگیر و اثرگذار بوده است.



نمودار شماره ۸: آراء سید ابراهیم امینی به تفکیک بخش‌ها در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای

اسلامی (Mamasani Governorate, 1992)

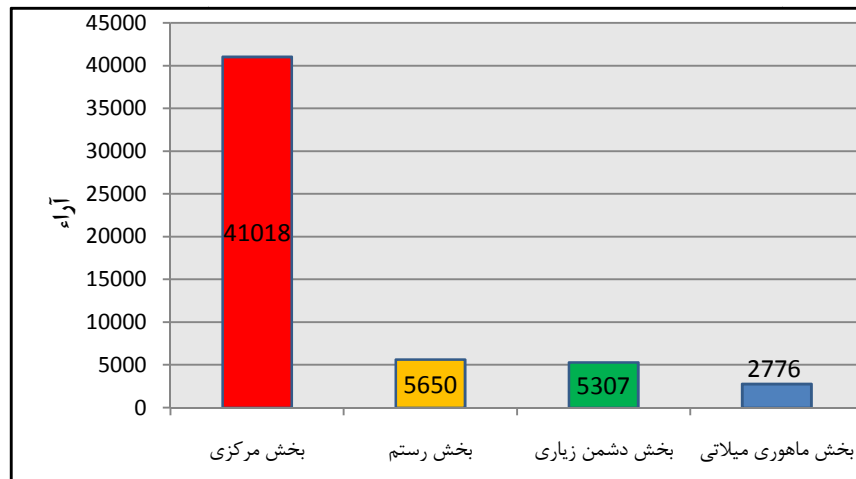


نقشه شماره ۳: تمرکز آراء زادگاه سید ابراهیم امینی در بخش مرکزی
«سید ابراهیم امینی متعلق به حوزه جغرافیایی مرکزی (طایفه بکش) است»

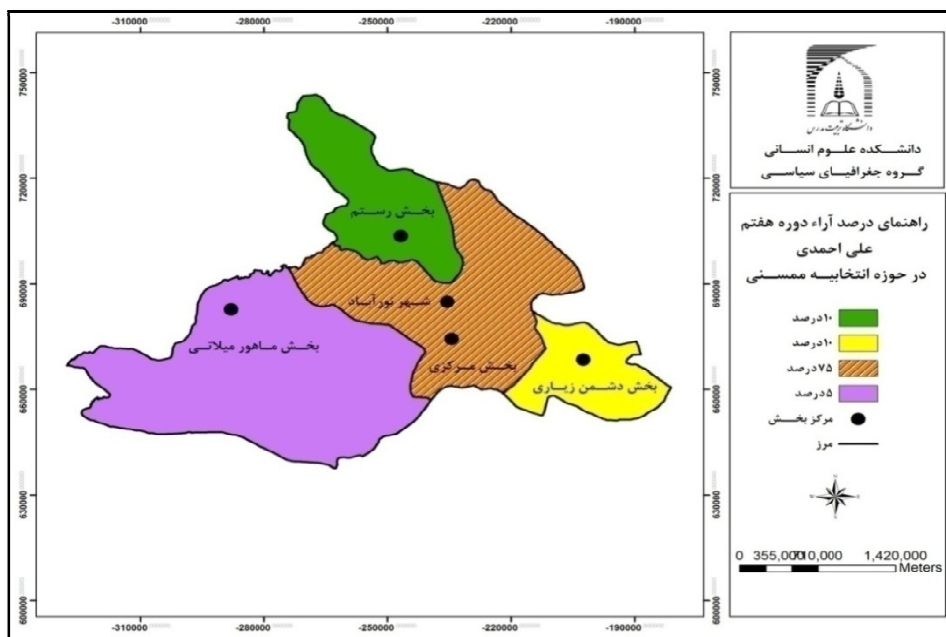
۷-۵- هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، علی احمدی در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۴۲/۵۷ درصد از مجموع ۱۲۸۶۱۰ آراء را کسب کرد (Negahdari and Hosseini, 2008: 131).

همان‌طور که در نقشه شماره ۴ مشاهده می‌شود از نظر توزیع زادگاهی، علی احمدی با ۷۵ درصد، بیشترین رأی را در زادگاه خود یعنی بخش مرکزی (طایفه جاوید) کسب کرده است. این مسئله بیانگر این است که رأی‌دهندگان از محیط‌شان متأثر شده‌اند و با هنجارها و ارزش‌های محلی که از آن برخاسته‌اند به‌عنوان بخشی از هویت مکانی‌شان هم‌نواپی دارند. بنابراین می‌توان گفت، طایفه‌گرایی و مکان‌محوری بر الگوی رأی علی احمدی اثرگذار بوده است.



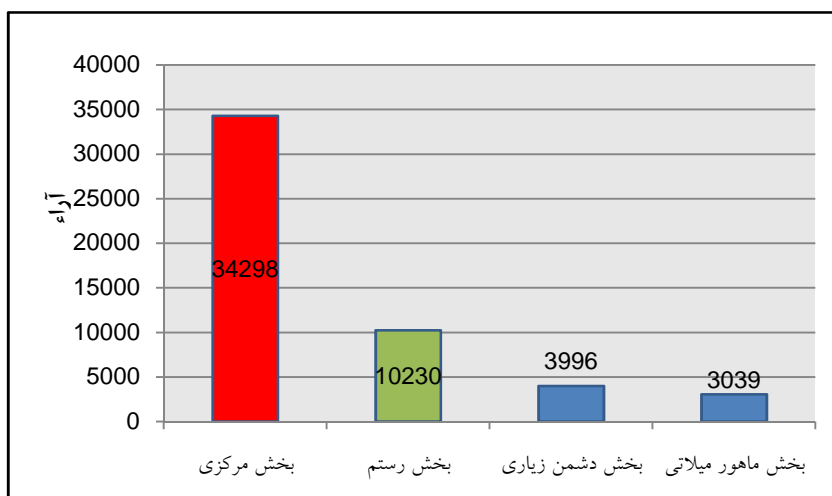
نمودار شماره ۹: علی احمدی به تفکیک بخش‌ها در هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 2008)



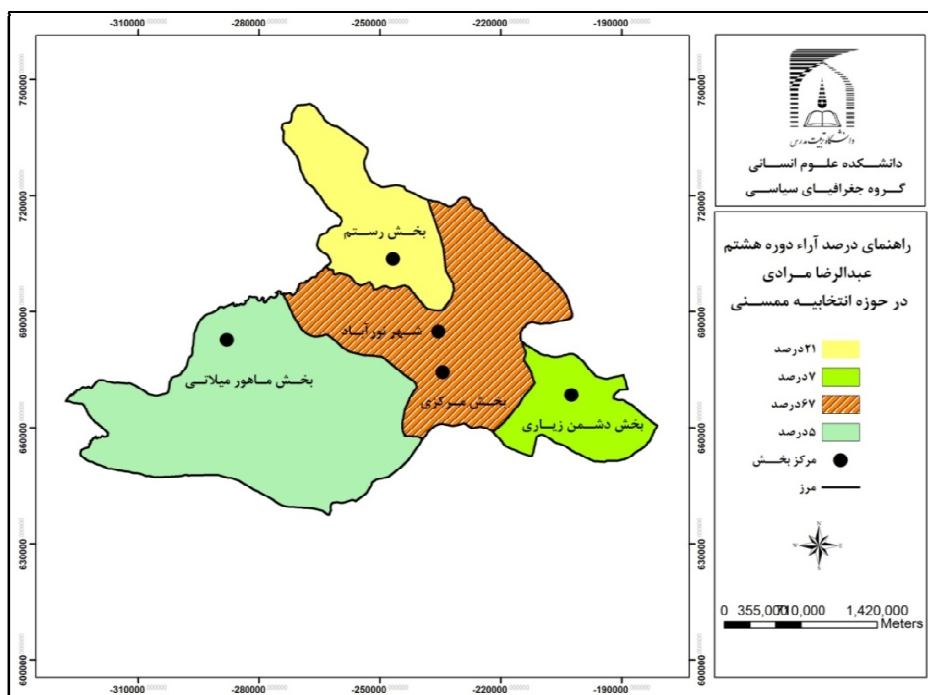
نقشه شماره ۴: تمرکز آراء زادگاه علی احمدی در بخش مرکزی (علی احمدی متعلق به حوزه جغرافیایی مرکزی (طایفه جاوید) است)

۸-۵- هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، عبدالرضا مرادی در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۴۷/۰۵ درصد از مجموع آراء (۱۰۹۵۸۱) را کسب کرده است (Mamasani Governorate, 2008: 3). همان‌طور که در نقشه شماره ۵ مشاهده می‌شود از نظر توزیع زادگاهی، عبدالرضا مرادی با ۶۷ درصد، بیشترین رأی را در زادگاه خود (بخش مرکزی - بخش) اخذ کرده است. این مسئله نشانگر این است که نوعی احساس و انگیزه درونی در افراد ساکن در فضای جغرافیایی مرکزی است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با بخش‌های دیگر ترجیح می‌دهند. بنابراین، متغیر طایفه‌گرایی و مکان‌محوری بر الگوی رأی عبدالرضا مرادی اثرگذار بوده است.



نمودار شماره ۱۰: آراء عبدالرضا مرادی به تفکیک بخش‌ها در هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 2008: 3)

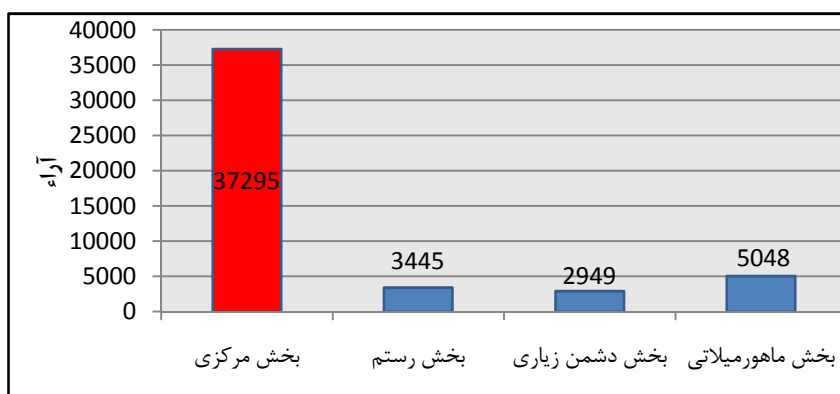


نقشه شماره ۵: تمرکز آراء زادگاه عبدالرضا مرادی در بخش مرکزی
 «عبدالرضا مرادی متعلق به قلمرو جغرافیایی مرکزی (طایفه بکش) است»

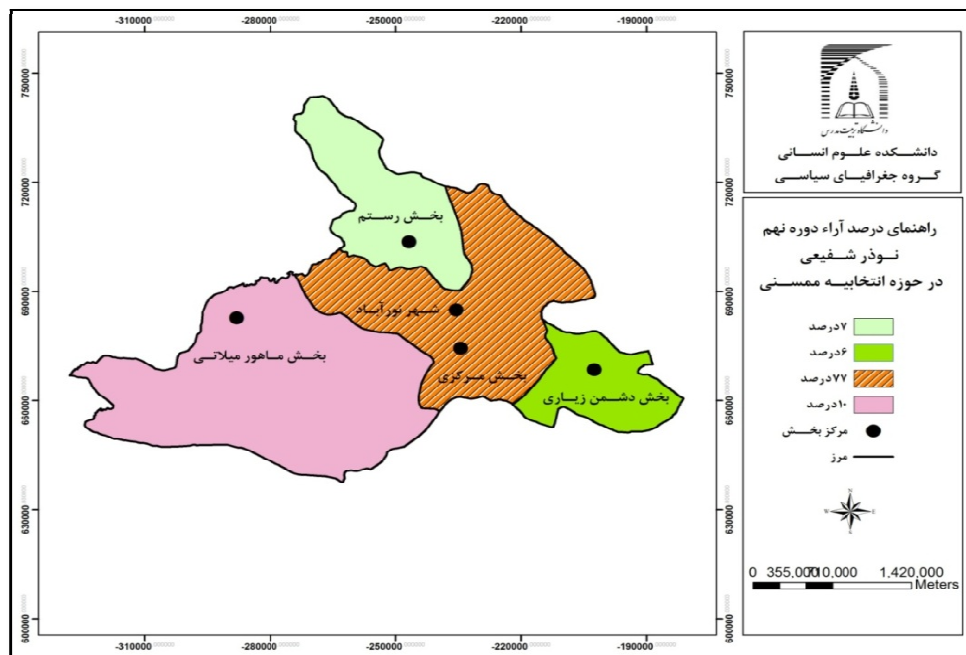
۹-۵- نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر اساس آمار فرمانداری شهرستان ممسنی، نوذر شفیعی ۴۲/۵۰ درصد از مجموع ۱۱۴۶۵۸ آراء را کسب کرده است (Mamasani Governorate, 2011). همان‌طور که در نقشه شماره ۶ مشاهده می‌شود از نظر توزیع زادگاهی، نوذر شفیعی با ۷۷ درصد بیشترین پشتیبان رأی را در بخش مرکزی یعنی در طایفه بکش که زادگاه وی است، به دست آورده است. از این میزان رأی، نوذر شفیعی در دو بخش مرکزی با ۷۷ درصد و ماهور میلانی با ۱۰ درصد بیشترین میزان آراء را به دست آورد. بخش مرکزی طایفه و زادگاه جغرافیایی نوذر شفیعی است و بسته به سایر بخش‌ها، مردم این حوزه جغرافیایی، بالاترین رأی را به ایشان دادند (نمودار شماره ۱۱). افزون بر این، باید به این نکته اشاره کرد، از آنجایی که نوذر شفیعی پیوستگی و پیوند نسبی

(خویشاندی از طرف مادر) با بخش تُرک‌تبار ماهور میلّتی دارد، از این‌رو، مردم این بخش خویشاوندی و قرابت بیشتری احساس می‌کردند و بالاترین رأی را نسبت به دیگر طوایف به ایشان دادند. آراء شفيعی در زادگاه خود گویای این است که رأی‌دهندگان به دلیل نوعی قرابت هویتی و تعصب طایفه‌ای و چه بسا منافع کوتاه‌مدت و یا درازمدت، به نامزد هم‌طایفه خود رأی داده‌اند. بنابراین می‌توان به جرأت گفت، اثرگذاری گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی‌نویز شفيعی مورد تأیید است.



نمودار شماره ۱۱: آراء نوذر شفيعی به تفکیک بخش‌ها در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (Mamasani Governorate, 2011)



نقشه شماره ۶: تمرکز آراء زادگاه نوذر شفیعی در بخش مرکزی
 «نوذر شفیعی متعلق به حوزه جغرافیایی مرکزی (طایفه بکش) است»

۶- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

دور اول و دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهرستان ممسنی با توجه به جو انقلابی حاکم بر جامعه شرایط خاص خود را داشت. در این دو دوره صمد شجاعیان از طایفه جاوید با توجه به میزان تحصیلات و چهره انقلابی - فرهنگی که داشت، توانست کرسی نمایندگی مجلس را به دست آورد. پایگاه رأی آوری شجاعیان از خاستگاه جغرافیایی گوناگونی بوده به طوری که وی در مناطقی که حتی زادگاه خود (گچگران) نبوده آراء لازم را کسب کرده است. بنابراین به دلیل شرایط خاص کشور و آشنایی مردم با چهره های شاخص انقلابی در شهرستان، معمولاً گرایش اکثریت آراء در دوره دوم به صمد شجاعیان که کارنامه ای انقلابی - فرهنگی داشت، پیش بینی پذیر بود. دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی با پیروزی سید عبدالرسول موسوی از طایفه بکش

خاتمه یافت. با توجه به اینکه موسوی در دو دوره انتخابات قبل نامزد انتخابات شده بود، ولی نتوانسته بود موفق شود، از این‌رو، در این دوره با تجربه و پیشینه سیاسی لازم وارد کارزار انتخابات شد و توانست با هماهنگی متنفذین و متمولان محلی طوایف مختلف علاوه بر زادگاه خود در بخش تُرک‌نشین ماهور میلّاتی بالاترین رأی را نسبت به دیگر رقبای خود اخذ کند و پیروز انتخابات شود. از نکات جالب توجه این دوره اینکه، برای اولین بار یک روحانی در حوزه انتخابیه ممسنی، با کسب اکثریت آراء پیروز انتخابات شد. چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بیشتر در فضای خاص اقتصادی و تحت تأثیر توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی انجام شد. در این دوره نماینده‌ای (رضاقلی الهیاری) از حوزه انتخابیه ممسنی به پارلمان راه یافت که تا حدود زیادی همسو با گفتمان حاکم بر جامعه پیش می‌رفت. در این دوره الهیاری هرچند در بخش مرکزی که قلمرو خود بود بالاترین رأی را کسب کرد، لکن در دیگر نواحی جغرافیایی یعنی در بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی آراء لازم و تأثیرگذاری را به‌دست آورد که زمینه را برای پیروزی وی آماده کرد. بنابراین می‌توان گفت، اگرچه طی این چهار دوره انتخابات، همه نمایندگان در حوزه جغرافیایی سکونت خودشان (طایفه و زادگاه خودشان) حائز اکثریت آراء شده‌اند، لکن با نگاهی به داده‌ها و آمارهای انتخاباتی نشان می‌دهد که نمایندگان در دیگر حوزه‌های جغرافیایی (طوایف) آراء لازم و اثرگذاری را کسب کرده‌اند. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که مقوله طایفه‌محوری و زادگاه‌محوری تأثیر کمی بر الگوی رأی نمایندگان این چهار دوره انتخابات داشته است. به عبارتی، طی این چهار دوره هرچند گرایش‌های طایفه‌ای و تأثیر همسایگی مهم بود، ولی تعیین‌کننده نبوده است.

دور پنجم انتخابات مجلس به‌دلیل حضور جناح‌ها و گرایش‌های مختلف در صحنه و در نتیجه رقابت نسبتاً شدید آنها، مشارکت انتخاباتی نسبت به دوره‌های گذشته ۱۸ درصد افزایش یافت. همچنین در این دوره با حضور نامزدهای با طوایف و زادگاه جغرافیایی مختلف و گرایش‌های متفاوت فکری - اعتقادی شاهد یکسری مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی در حوزه انتخابیه ممسنی شدیم. این جدایی‌گزینی‌های اجتماعی به‌تدریج بعد فضایی - مکانی پیدا کرد و به‌تدریج شاهد ائتلاف‌بندی‌هایی شدیم که این ائتلاف‌ها (طایفه‌ها)، شکاف‌هایی را ضمن اینکه در درون گروه (طایفه) همگرایی را ایجاد می‌کرد، متعاقباً و اگرایی را نسبت به گروه‌های دیگر (طایفه‌های دیگر) ایجاد

کرد، و در بین این ائتلاف‌ها (حوزه‌های جغرافیایی مختلف) الگوی رأی مشترک ایجاد شد. چنین مرزبندی‌ها و جدایی‌گزینی‌های مکانی - هویتی در کیفیت آراء تأثیر به‌سزایی داشتند. به‌طور کلی می‌توان گفت، در پنج دوره انتخابات برگزار شده در حوزه انتخابیه ممسنی تا این زمان، این تنها انتخاباتی بود که پدیده طایفه‌محوری و زادگاه‌محوری نقش مؤثری در جهت‌دهی و معنادهی به آراء رأی‌دهندگان داشت. بنابراین می‌توان گفت با توجه به آرائی که فریبرز انصاری در قلمرو جغرافیایی خود (طایفه خود) کسب کرده است، گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی وی اثرگذار و تعیین‌کننده بوده است. ششمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در حالی انجام شد که توسعه سیاسی در عرصه داخلی و تنش‌زدایی در عرصه سیاست خارجی را در دستور کار خود قرار داد. در این دوره نماینده‌ای (سید ابراهیم امینی) از حوزه انتخابیه ممسنی به پارلمان راه پیدا کرد که به صراحت شعار حمایت از جبهه دوم خرداد سر می‌داد. با وجود اینکه، امینی در این دوره از جناح اصلاح‌طلب حمایت می‌کرد، لکن آمار و داده‌های موجود حکایت از این دارند که پشتوانه آراء امینی هرگز ریشه در مسائل جناحی - سیاسی نبوده، بلکه کارگزار بنیادین، گرایش‌های طایفه‌ای و ارتباطات فامیلی و گوهری است. به‌نحوی که به جرأت می‌توان گفت پایگاه رأی‌آوری امینی در این دوره، بنیادی هویتی و دودمانی داشته و تابع گرایش‌های طایفه‌ای و مکانی بوده است تا جریان‌های جناحی و سیاسی. آراء امینی در زادگاهش نیز مؤید این مطلب است که در حقیقت عامل تعیین‌کننده، طایفه‌محوری است. انتخابات مجلس هفتم در شرایطی برگزار شد که اصلاح‌طلبان بیشتر گرسی‌های مجلس ششم را در اختیار داشتند. این دوره که متقارن بود با دوران دوم دولت اصلاحات، بالطبع باید اقبال به داوطلبانی باشد که از این جناح برخاسته بودند، اما دلایلی موجب شد تا هم در سطح حاکمیت و هم در سطح عموم مردم از این اقبال کاسته شود. با تأیید نشدن نامزد طایفه بکش (امینی) و متعدد بودن نامزدهای طایفه رستم، زمینه برای ایجاد و گسترش حوزه نفوذ و پایگاه رأی‌آوری نامزد طایفه جاوید یعنی علی احمدی مهیا شد و این مسئله باعث شد تا طایفه جاوید با اتحاد و همبستگی درون طایفه‌ای فاتح انتخابات شود. نوع پراکنش آراء علی احمدی نشان می‌دهد که ثقل و تمرکز آراء در جایی بوده است که وی در آنجا سکنه گزیده و این مسئله گویای این است که طایفه‌محوری بر الگوی رأی علی احمدی تعیین‌کننده بوده است. در دور هشتم، عبدالرضا مرادی که در دوره قبل (هفتم) حضور داشت،

چهره‌ای ناشناس و کم‌شهرت به‌نظر می‌رسید، ولی در این دوره با کسب تجربه انباشته سیاسی به میدان آمد و توانست بالاترین آراء را در چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی کسب کند و سکان‌دار منافع و دیدگاه‌های شهروندان در چهارچوب قانون نمایندگی شود. در این دوره با آنکه مرادی در چهار بخش نامبرده حائز اکثریت آراء شد (که در نوع خود چنین اقدامی کم‌نظیر بود)، لکن نتوانست در صندوق‌های حوزه جغرافیایی طایفه جاوید آراء لازم را کسب کند. بنابراین می‌توان گفت پایگاه رأی‌آوری مرادی متأثر از گرایش‌های طایفه‌ای بوده است. انتخابات دور نهم مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی ویژگی‌های خاص خود را داشت. در این دوره، دو نامزد مهم و پُر وزن طایفه بکش و جاوید (عبدالرضا مرادی و محمد رنجبر) که از منزلت و مقبولیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند، رد صلاحیت شدند. به‌رغم اینکه، مردم طایفه بکش و جاوید اقبالی به رأی‌دادن به نامزدهای برخاسته از زادگاه‌شان یعنی نوذر شفیعی و سعید قائدی نداشتند، با این همه، حاضر نبودند به‌دلیل تعصب طایفه‌ای که داشتند به دیگر نامزدها روی آورند. آراء نوذر شفیعی در زادگاهش نیز مؤید این مطلب است که به راستی عامل تعیین‌کننده، گرایش‌های طایفه‌ای بوده است. بنابراین با توجه به یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که، گرایش‌های طایفه‌ای در الگوی رأی سه نامزد از نه نامزد، یعنی صمدشجاعیان، عبدالرسول موسوی و رضاقلی الهیاری تأثیر کمی داشته است، اما در الگوی رأی نامزدهای دور پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم (فریرز انصاری، سید ابراهیم امینی، علی احمدی، عبدالرضا مرادی، نوذر شفیعی) تأثیر چشمگیری داشته است. به‌طوری‌که مقوله طایفه‌گرایی پایگاه حمایتی اطمینان‌بخشی برای ایشان به‌شمار می‌رود. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای - مکانی بر الگوی رأی نه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی تأیید می‌شود.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و گروه جغرافیای سیاسی این دانشگاه به‌دلیل مساعدت‌هایشان در انجام پژوهش حاضر، تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Abdi, Ataolah and et al (2014), explanation of Ethnic Approaches in campaign slogans of presidential candidates, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 10, No 3, [in Persian].
2. Ahmadipour, Zahra and et al (2011), the analysis of Golestan province constituencies after Islamic revolution, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 7, No 1, [in Persian].
3. Amanolahi Baharvand, Esekandar (2012), Lurs; a research about ethnic continuity and geographical distribution of Lur people in Iran, Tehran, Agah publication, [in Persian].
4. Amiri, Seyed Razagh (2012), *Persepolis (Persian history, cities and villages)*, Volume III, Shiraz, Navide Shiraz Publications [in Persian].
5. Ansari, Mojtaba and et al (2009), Recognition of visual system ideas in urban old texture districts, case study, Abbasi district of Tehran. *Two Journal University of the Arts*, No. 2, [in Persian].
6. Badei, Marjan and et al, (2008), The role of spatial sense in aboriginal identity, case study, Yasuj student in Tehran universities, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 4, No 2, [in Persian].
7. Cox, Kevin (2002), *Political Geography*, Blackwell Publications.
8. Dominy, M (2001), *Calling the station home: Place and Identity in New Zealand shigh country*, Rowan and Littlefield Publisher, Lanham.
9. Eravani, Mahmud and khodaphanahi , Mahamadkarim (2001), *The perceptions psychology*, Tehran, SAMT publication, [in Persian].
10. Flint, Colin (1989); *the Political Geography of the Nazi Party Electoral Support: The NSDAP as Regional Milieuparteien and National Sammlungsbeuwegung*. *The Arab World Geographer*, Vol.1, pp: 79-100.
11. Ghafari, Masoud and Kaviani, Behroz Zarin (2014), Evaluation of Kurdistan Citizens' Participation in 1376- 84 presidential election, *Geopolitics Quarterly*, Vol. 7, No 1, [in Persian].
12. Habibi Fahliani, Hasan (1992), *Mamasani in the course of history*, Shiraz, Navid Shiraz publication, [in Persian].
13. Habibi Fahliani, Hasan (2005), *Prehistoric artifacts, historical periods and celebrities of mamasani*, Shiraz, Institute farsshensasi publication [in Persian].
14. Hafeznia, Mohamadreza and Kavianirad (2009), *the New approaches in Political Geography*, Tehran, SAMT publication, [in Persian].
15. Hafeznia, Mohamadreza and Kavianirad (2014), *the Philosophy of Political Geography*, Tehran, National Research Institute [in Persian].
16. Hafeznia, Mohamadreza (2006), *the principles and concepts of geopolitics*, Mashhad: Papoli Publications [in Persian].
17. Hosseini, Seyed Abdolvahab (2014), *The head of census Organization of Nourabad Mamasani Township*, Interviews Author with Hosseini, 2014/3/10.

18. Jafarian, Morteza (2005), Investigating the political culture and tribal system of Delfan city, with an emphasis on men, Thesis Master degree, Field Social Sciences, Tehran, university of Tehran publication [in Persian].
19. Kavianirad, Morad and Azizkaveh, Ali (2011), the role of spatial identity in developing political action; case study: Ehgheleb square and avenue of Tehran city, Journal of Applied Research Geographical Sciences, Volume 17, Vol. 20 [in Persian].
20. Kavianirad, Morad and Veyci, hadi (2008), The effect of neighborhood on Iran election, case study: ninth period of presidential election in Iran, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No. 3, [in Persian].
21. Kavianirad, Morad (2007), Election Geography, Strategic Studies Quarterly, Vol. 10, No 3 [in Persian].
22. Kavianirad, Morad (2013), Election Geography with an emphasis on presidential election, Tehran, Kharazmi University publications [in Persian].
23. Mirfardi, Asghar and Dehbanipour, Reza (2012), Investigating the symbols of ethnic- national culture and identity in local literature of mamasani district, Journal of Anthropology, Vol. 9, No 15 [in Persian].
24. Mirheydar, Dorreh & et al (2013), The basic Themes in Political Geography ,(Completely Revised), Tehran, SAMT publication [in Persian].
25. Moazeni, Mohamadali (2000), Fars election feature (with an emphasis on sixth period election), Department of Political - security Affairs the Office of Social Security and election, Ministry of state, Fars governorate [in Persian].
26. Mojtahedzadeh, Pirooz (2011), Political geography and geographical politics, Tehran, SAMT publication [in Persian].
27. Mortazavi, Sharnaz (2001), Environmental psychology and its application, Tehran, university of Shahid beheshti publication [in Persian].
28. Muir, Richard (2000), A new Introduction to Geopolitics, translated by: Dorreh Mirheydar, Tehran, Armed Forces Geographical organization publication [in Persian].
29. Naghibzadeh, Ahmad (2010), Introduction in Political sociology, Tehran, SAMT publication [in Persian].
30. Negahdari, Mansur and Hosseini, Mohamadali, (2008), Eighth period of Islamic consultancy election in Fars province, [in Persian].
31. Negahdari, Mansur (2011), Statistical information, first to sixth period of Islamic consultancy election in Fars province [in Persian].
32. Norton, William (2000), Cultural Geography, Oxford.
33. Phishgahifard, Zahra and Shostary, Seyedmohamad javad (2008), Geographical fundaments of the origin of popular vote in eighth period of Islamic consultancy election, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No 2, [in Persian].
34. Phorahmad, Ahmad (2009), the scope and Philosophy of Geography, Tehran, university of Tehran publication [in Persian].
35. Romina, Ebrahim and et al, (2014), Obstacles of political development in Nourabad Mamasani Township (With an emphasis on political culture), Regional Conference of Challenges and Solutions Sustainable Development Mamasani and Rostam, Mamasani, Islamic Azad University [in Persian].

- 36.Sadeghi, Vahid (2014), Geopolitical challenges of convergence in Mamasani, Norbaran Mamasani Monthly, December fifteenth, province of Mamasani [in Persian].
- 37.Sadeghi, Vahid, (2014), Investigating the effect of tribalism on voting pattern (case study: Nourabad Mamasani township), Thesis Master Degree in Political Geography with supervisor of Mohamadreza Hafeznia, Tehran, Tarbiat Modares University [in Persian].
- 38.Sadeghi, Vahid (2014), The structure of geopolitical relations for districts of Mamasani Township, Norbaran Mamasani Monthly, Thirtieth of January, province of Mamasani [in Persian].
- 39.Sariolghalam, Mahmood(2014), Iranian political culture, Tehran, Farzan Roze publication [in Persian].
- 40.Shakoi, Hosein (2011), New thoughts in the philosophy of geography, environmental philosophies and geographical doctrines, Volume II, Tehran, Geographical Institute and Cartography Gitashenasy publication [in Persian].
- 41.Shojaeian, Samad (2013), the candidate of first and second period of Islamic consultancy election from Mamasani constituency, Interviews Author with Shojaeian, 2013/9/5.
- 42.Mamasani Governorate (1985), Statistics of Mamasani Township [in Persian].
- 43.Mamasani Governorate (1991), Statistics of Mamasani Township [in Persian].
- 44.Mamasani Governorate (1992), Statistics of Mamasani Township [in Persian].
- 45.Mamasani Governorate (2008), Statistics of Mamasani Township [in Persian].
- 46.Mamasani Governorate (2011), Statistics of Mamasani Township [in Persian].
- 47.Statistical Yearbook of Fars province (2011), the statistics related to population of Fars province townships [in Persian].
- 48.Stedman, R (2002), toward a social psychology of place: predictive behavior from place, based cognitions, attitudes, and identity, environmental behavior.
- 49.Stefanovic, I.L 1998), Phenomenological Encounters with place: cavtat to Square one, journal of environmental psychology.
- 50.Taheri, Abdolmohamad (2002), Farsnameh second (cognitive historical, cultural, economic), Vol. II, Publish Omidvaran [in Persian].
- 51.www.wikipedia.org.
- 52.Zaghmi, Borzeyn (2014), Analyzing the relation between tribalism and citizen right (case study: Nourabad Mamasani Township), Regional Conference of Challenges and Solutions Sustainable Development Mamasani and Rostam, Mamasani, Islamic Azad University [in Persian].
- 53.Zaghmi, Barzin (2014), The head of Department of Culture and Islamic Guidance of Tehran, Interviews Author with Zaghmi, 2014/3/7[in Persian].